

گزینه‌های نخست‌وزیری قبل از بختیار

۸ مرداد ۱۴۰۰ ساعت ۲۳:۵۰

اشتباه اصلی بختیار آن بود که وی نه تنها از حمایت و پایگاه مردمی محروم بود؛ بلکه با پشت کردن به بیانیه جبهه ملی، حمایت حزبی را نیز از دست داده بود.

بعد از استعفای [ارتشبد ازهری](#) از حکومت، چندین گزینه برای نخست‌وزیری از سوی شاه و سایر مداخله‌گران داخلی و خارجی مطرح شد. در بین گزینه‌های پیشنهادی نام کسانی چون [دکتر سنجابی](#)، [دکتر امینی](#)، [دکتر صدیقی](#) و [بختیار به چشم می‌خورد](#)؛ اما در نهایت قرعه به نام بختیار افتاد و او به این سمت انتخاب شد. در این رابطه سؤالی که مطرح است این است که چرا بختیار حاضر به پذیرش این پست شد و چرا سنجابی، صدیقی و امینی از پذیرش و انتصاب به این پست بازماندند. در ادامه این نوشته تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود.

چرا بختیار نخست‌وزیر شد؟

شاه با انتصاب بختیار به نخست‌وزیری چندان موافق نبود، چرا که بختیار یکی از چهره‌های جبهه ملی محسوب می‌شد و شاه دل چندان خوشی از مصدق و جبهه ملی نداشت. در واقع بختیار قبل از آنکه به نخست‌وزیری انتخاب شود، در ائتلاف با جبهه ملی به یکی از اعضای اصلی این تشکل سیاسی تبدیل شده بود. او به همراه فروهر، رضا شایان و مشیری به عنوان اعضای کمیته مرکزی و حسینی به عنوان رئیس شورای مرکزی بدنه اصلی جبهه ملی چهارم را به وجود آورده بودند.^۱ با این حال پیشنهاد نخست‌وزیری بختیار از سوی آمریکا و برخی از تحلیلگران داخلی و خارجی صورت گرفت که معتقد بودند قادر به نجات کشور است. چنانچه سفیر آلمان در ایران بر این باور بود که «دولت بختیار در غیاب شاه می‌تواند موفق شود، ولی در صورتی که شاه شورای سلطنت را فوراً تشکیل بدهد، می‌تواند ایران را برای تغییراتی آماده کند. او فکر می‌کند که حتی ممکن است شاه بتواند پس از مدتی تحت عنوان حکومت پادشاهی مطابق با قانون اساسی به ایران برگردد.»^۲ در نهایت خوشبینی برخی از عوامل داخلی و خارجی باعث شد تا بختیار به عنوان آخرین نخست‌وزیر حکومت پهلوی انتخاب شود. اما پیش از بختیار، برخی از دکتر امینی، سنجابی و صدیقی به عنوان گزینه‌های نخست‌وزیری یاد کرده‌اند.

گزینه‌های پیشنهادی دیگر برای نخست‌وزیری

پیش از بختیار دکتر صدیقی از جمله گزینه‌های مهم برای پست نخست‌وزیری بود و گفته شده است که شاه در دیداری خصوصی با او، پیشنهاد نخست‌وزیری را با صدیقی مطرح کرده بود؛ اما صدیقی در همان دیدار مخالفت علنی خود با این پیشنهاد

را نشان داده بود. در باب مخالفت صدیقی با این پیشنهاد آمده است که او شروطی را برای پذیرش نخست‌وزیری مطرح کرده بود و گویا شاه با آن مخالفت نموده بود. شرط صدیقی بر این بود که «شاه در مملکت و حداقل در جزیره کیش بماند»^۳ در حالی که شاه با درک شرایط، خواستار خروج فوری از کشور بود.

علی‌امینی از دیگر گزینه‌های نخست‌وزیری بود که بیش از آنکه انتخاب شاه باشد، انتخاب اطرافیان شاه بود. چرا که شاه به امینی نیز به مانند بختیار اعتماد و امید چندانی نداشت. این بدبینی در مورد امینی در مورد سایر افراد و گروه‌ها نیز صادق بود. «هیچکس از امینی تعریف نمی‌کرد، او مورد اعتماد شاه با ارتش نبود، جبهه ملی به او بی‌اعتماد بود و (امام) خمینی نیز او را رد می‌کرد. اگر جور دیگری نگاه کنیم، امینی شخصیت مناسبی بود برای کسی که می‌خواست میانه را بگیرد. او پیشتر هنگامی که در قدرت بود، سیاستمدار و لیبرالی واقعی بود...»^۴ با توجه به این شرایط و مخالفت صریح کسانی چون امام (ره) پیرامون هر گونه همکاری با حکومت پهلوی و خیانت دانستن آن، امینی از پذیرش این پیشنهاد منصرف شد و از آن سر باز زد.

دکتر کریم سنجابی نیز از دیگر گزینه‌های مهم برای پست نخست‌وزیری بود که شاه با او هم ملاقات کرده و درخواست خود در این زمینه را به گوش او رسانده بود؛ اما سنجابی نیز با این پیشنهاد مخالفت کرده بود. بعد از ملاقات سنجابی و شاه، جبهه ملی چهارم با انتشار اعلامیه سه ماده‌ای در زمانی که موضوع نخست‌وزیری بختیار مطرح شده بود، ضمن علل رد پیشنهاد نخست‌وزیری از سوی صدیقی به موضوع مخالفت جبهه ملی در همکاری و همراهی با حکومت شاه پرداخته بود. در بخشی از این بیانیه آمده است: هم‌میهنان، ساعت ۶ بعد از ظهر دیروز رییس سازمان اطلاعات و امنیت کشور به خانه آقای کریم سنجابی رییس و دبیر کل اجرایی جبهه ملی ایران مراجعه کردند و ایشان را به کاخ نیاوران برای دیدار با محمدرضا پهلوی بردند سنجابی در این دیدار ضمن تشریح اعلامیه مورخ ۱۴ آبان ۱۳۵۷ صادر شده در پاریس تاکید نمودند که تا زمانی که وضع سلطنت کنونی باقی است، جنبش ملی و اسلامی ایران حاضر به شرکت در هیچ ترکیب حکومتی نخواهد بود.^۵

البته برخی معتقدند شاه تمایلی به هیچ یک از گزینه‌های مطرح شده برای نخست‌وزیری نداشت و طراح بسیاری از این پیشنهادات فرح و حلقه یارانش بود. بر این اساس گفته شده است «قبل از اینکه بختیار به نخست‌وزیری برسد براساس اندیشه و تفکر یاران فرح باب مراوده و مذاکره با دشمنان دیروز که هرگز رفت و آمدی به دربار نداشتند باز شده بود و چنین وانمود می‌کردند که گره کار بدست مغضوبین و خانه نشین‌های گذشته که به ملی‌گرائی شهرت دارند باز می‌شود. دیدارهای دکتر کریم سنجابی و دکتر صدیقی و بالاخره شاهپور بختیار با شاه و باز شدن پای آن‌ها به دربار عموماً در همین چهارچوب صورت می‌گرفت.»^۶ در نهایت بعد از شکست ملاقات‌ها و صحبت‌های صورت گرفته با دکتر امینی، سنجابی و صدیقی، بختیار با قبول این پیشنهاد، نام خود را به عنوان آخرین نخست‌وزیر حکومت پهلوی ثبت کرد.

سخن نهایی

بختیار در حالی با پست نخست‌وزیری موافقت کرد که پیش از او نام افرادی دیگری نیز به عنوان گزینه‌های موردنظر نخست‌وزیری مطرح شده بود و شاه دیدارهایی با آنان نیز ترتیب داده بود؛ اما هیچ یک از آن افراد بنا به دلایل خاص خود، با این پیشنهاد مخالفت کرده بودند و در بیانیه‌ای به نمایندگی از جبهه ملی، هر گونه همکاری با حکومت پهلوی را تحریم کرده بودند. در این شرایط، بختیار در اشتباهی سیاسی و با امید حفظ قدرت، با پیشنهاد مربوطه موافقت کرد و به عنوان نخست‌وزیر قدرت را به دست گرفت. اشتباه اصلی بختیار آن بود که وی نه تنها از حمایت و پایگاه مردمی محروم بود؛ بلکه با پشت کردن به بیانیه جبهه ملی،

فهرست منابع

۱. مجتبی مقصودی، تحولات سیاسی اجتماعی ایران ۱۳۵۷ - ۱۳۲۰، تهران، روزنه، ۱۳۸۶، ص ۱۹۵.
 دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، اسناد لانه جاسوسی آمریکا، جلد اول، تهران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶، ص ۳۱۱.
 احمدعلی مسعود انصاری، من و خاندان پهلوی، تنظیم و نوشته محمد برقی و حسین سرفراز، تهران، نشر فاخته، ۱۳۷۱، چاپ دوم، ص ۱۱۲.
 دزموند هارنی، روحانی و شاه، ترجمه کاوه باسمنجی و کاووس باسمنجی، تهران، انتشارات کتاب‌سرا، ۱۳۷۷، صص ۹۱-۹۲.
 بیانیه جبهه ملی در خصوص نخست‌وزیری بختیار برگرفته از
 سایت http://www.movarekhan.com/blog/pahlavi_compromise_with_nationalists/
 مسعود انصاری، همان، صص ۱۰۵-۱۰۶.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetariikh.com/news/48444/بختیار-قبلا-وزیر-نخست-های-گزین/48444>